

اثرات دوستی اهل بیت علیهم السلام و چگونگی آن

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً

هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید مرده.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد آمرزیده است

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا رفته

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد ملک الموت به او بشارت بهشت می دهد بعد از او نکیر و منکر

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُزَفُّ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُزَفُّ الْعُرْسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد چنان با جلال او را به بهشت می برند مانند عروسی که به خانه شوهر می رود

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صُفِّحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد درب هایی از قبرش به بهشت گشوده می شود.

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار می دهد

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ

متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد بر راه و روش پیامبر و جماعت مؤمنین مرده

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

متوجه باشید هر کس با کینه آل محمد بمیرد روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته است: مأیوس از رحمت خداست

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً

متوجه باشید هر کس بر بغض آل محمد بمیرد کافر از دنیا رفته

أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ

متوجه باشید هر کس بر بغض آل محمد بمیرد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.^۱

۱. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار ج ۲۳ ص ۲۳۳

جامع الأخبار (لشعیری) ص ۱۶۶

بشارة المصطفى لشبيعة المرتضى (ط - القديمة) ج ۲ ص ۱۹۷

الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف ج ۱ ص ۱۵۹

كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ج ۱ ص ۱۰۷

الْبَلَاءُ لِلْوَلَا

عَنِ الْمُنْهَالِ بْنِ عُمَرَ قَالَ كُنْتُ جَالِسًا مَعَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ع.
إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ.
قَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَنْتُمْ

فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ أَوْ مَا أَنْ لَكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا كَيْفَ نَحْنُ إِنَّمَا مَثَلُنَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ يُذَبِّحُ أَبْنَاؤُهُمْ وَتُسْتَحْيَا نِسَاؤُهُمْ أَلَا وَإِنْ هَؤُلَاءِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَنَا وَتُسْتَحْيُونَ نِسَاءَنَا زَعَمَتِ الْعَرَبُ أَنَّ لَهُمْ فَضْلًا عَلَى الْعَجَمِ فَقَالَتِ الْعَجَمُ وَبِمَا ذَلِكَ قَالُوا كَانَ مُحَمَّدٌ مِنَّا عَرَبِيًّا قَالُوا لَهُمْ صَدَقْتُمْ وَزَعَمْتُ قُرَيْشٌ أَنَّ لَهَا فَضْلًا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْعَرَبِ. فَقَالَتْ لَهُمُ الْعَرَبُ مِنْ غَيْرِهِمْ وَبِمَا ذَلِكَ قَالُوا كَانَ مُحَمَّدٌ قُرَشِيًّا قَالُوا لَهُمْ صَدَقْتُمْ فَإِنْ كَانَ الْقَوْمُ صَدَقُوا فَلَنَا فَضْلٌ عَلَى النَّاسِ لِأَنَّا ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ خَاصَّةً وَ عِزَّتُهُ لَا يَشْرُكُنَا فِي ذَلِكَ غَيْرُنَا.
فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَاللَّهِ إِنِّي لِأُحِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

قَالَ فَاتَّخِذْ لِلْبَلَاءِ جَلْبَابًا. فَوَ اللَّهُ إِنَّهُ لَأَسْرَعُ إِلَيْنَا وَ إِلَى شَيْعَتِنَا مِنَ السَّبِيلِ فِي الْوَادِي وَ بِنَا يَبْدُو الْبَلَاءُ ثُمَّ بِكُمْ وَ بِنَا يَبْدُوا الرَّخَاءُ ثُمَّ بِكُمْ
منهال بن عمر گفت: خدمت حضرت باقر نشسته بودم، مردی وارد شده سلام کرد امام جواب داد. گفت: آقا چه طور هستی؟
فرمود: ممکن است وقتی برسد که شما بدانید به ما چه می‌گذرد. مثل ما در میان این امت مانند بنی‌اسرائیل است که به‌دست فرعونیان گرفتار بودند. بچه‌های آن‌ها را می‌کشتند و زنان را زنده نگه می‌داشتند. این‌ها نیز فرزندان ما را می‌کشند و زنان را زنده می‌گذارند. عرب خود را بر جهانیان برتر می‌دانست به‌واسطه این که محمد از این نژاد بود، قریش نیز خود را از بقیه عرب برتر می‌دانستند، مدعی بودند که چون محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از این طایفه است. اگر ادعای آن‌ها صحیح است ما که از اولاد آن سروریم و از خاندان نزدیک او به‌شمار می‌رویم.
آن مرد عرض کرد: به‌خدا قسم من شما خانواده را دوست می‌دارم.

فرمود: پس پوستین برای بلا آماده کن. به خدا سوگند بلا به دوستان ما نزدیک‌تر است از جاری شدن سیل در کوهستان‌ها. ابتدا ما را هدف قرار می‌دهد سپس شما را. فراخی و نعمت نیز از ما شروع می‌شود و به‌شما می‌رسد.^۲

طاعت خواری، نافرمانی کفر

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

طَاعَةُ عَلِيٍّ ع ذُلٌّ وَ مَعْصِيَتُهُ كُفْرٌ بِاللَّهِ

قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يَكُونُ طَاعَةُ عَلِيٍّ ع ذُلًّا وَ مَعْصِيَتُهُ كُفْرًا بِاللَّهِ

قَالَ إِنَّ عَلِيًّا ع يَحْمِلُكُمْ عَلَى الْحَقِّ فَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ ذَلَلْتُمْ وَ إِنْ عَصَيْتُمُوهُ كَفَرْتُمْ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

طاعت علی علیه‌السلام ذلت و خواری است، و معصیت و نافرمانی او سبب کفر به خداست،

عرض شد: ای رسول خدا چگونه طاعت علی ذلت و نافرمانیش کفر به خدا است؟

فرمود: هر آینه علی علیه‌السلام شما را به حق وامی‌دارد، پس اگر او را فرمان برید (در دنیا و در نظر مردمان) خوار باشید، و

اگر نافرمانیش کنید به خدای عز و جل کافر شوید.^۳

۲. الأُمَالِي (للطوسي) ص ۱۵۴

بشارة المصطفى لشيعته المرتضى (ط - القديمة) ج ۲ ص ۸۹

بحار الأنوار (ط - بيروت) ج ۴۶ ص ۳۶۰

رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار ج ۲ ص ۱۲۴

۳. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۳۸۸

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ج ۱۱ ص ۱۲۳

اقسام محبین اهل بیت علیهم السلام

دَخَلَ عَلَى الصَّادِقِ ع رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ مِمَّنِ الرَّجُلُ فَقَالَ مِنْ مُحِبِّكُمْ وَمَوَالِكُمْ
فَقَالَ لَهُ جَعَفَرٌ لَا يُحِبُّ اللَّهَ عَبْدًا حَتَّى يَتَوَلَّاهُ وَلَا يَتَوَلَّاهُ حَتَّى يُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ
ثُمَّ قَالَ لَهُ مِنْ أَيِّ مُحِبِّينَا أَنْتَ
فَسَكَتَ الرَّجُلُ

فَقَالَ لَهُ سَدِيدٌ وَكَمْ مُحِبُّكُمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
فَقَالَ عَلَى ثَلَاثِ طَبَقَاتٍ طَبَقَةُ أَحْبُونَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَ لَمْ يُحْبُونَا فِي السِّرِّ وَ طَبَقَةُ يُحْبُونَنَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَ طَبَقَةُ يُحْبُونَنَا فِي
السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ

هُمُ التَّمَطُّ الْأَعْلَى شَرَبُوا مِنَ الْعَذْبِ الْفَرَاتِ وَ عَلِمُوا تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَصَلَ الْخِطَابِ وَ سَبَبَ الْأَسْبَابِ
فَهُمُ التَّمَطُّ الْأَعْلَى الْفَقْرُ وَ الْفَقَاةُ وَ أَنْوَاعُ الْبَلَاءِ أَسْرَعُ إِلَيْهِمْ مِنْ رَكْضِ الْخَيْلِ مَسْتَهْمُ الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ وَ زُلْزِلُوا وَ فُتِنُوا فَمِنْ بَيْنِ مَجْرُوحٍ وَ
مَذْبُوحٍ مُتَفَرِّقِينَ فِي كُلِّ بِلَادٍ قَاصِيَةِ بِهِمْ يَشْفِي اللَّهُ السَّقِيمَ وَ يُغْنِي الْعَدِيمَ وَ بِهِمْ تُنْصَرُونَ وَ بِهِمْ تُمَطَّرُونَ وَ بِهِمْ تُرْزَقُونَ وَ هُمُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا
الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا وَ خَطَرًا

وَ الطَّبَقَةُ الثَّانِيَةُ التَّمَطُّ الْأَسْفَلُ أَحْبُونَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَ سَارُوا بِسِيرَةِ الْمُلُوكِ فَالَسْتَنَّهُمْ مَعَنَا وَ سُيُوفُهُمْ عَلَيْنَا
وَ الطَّبَقَةُ الثَّالِثَةُ التَّمَطُّ الْأَوْسَطُ أَحْبُونَا فِي السِّرِّ وَ لَمْ يُحْبُونَا فِي الْعَلَانِيَةِ وَ لَعَمْرِي لَئِنْ كَانُوا أَحْبُونَا فِي السِّرِّ دُونَ الْعَلَانِيَةِ فَهُمْ الصَّوَامُونَ
بِالْتَّهَارِ الْقَوَامُونَ بِاللَّيْلِ تَرَى أَثَرَ الرُّهْبَانِيَةِ فِي وَجْهِهِمْ أَهْلُ سَلَمٍ وَ انْقِيَادٍ
قَالَ الرَّجُلُ فَأَنَا مِنْ مُحِبِّكُمْ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ
قَالَ جَعَفَرٌ ع إِنَّ لِمُحِبِّينَا فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ عِلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا
قَالَ الرَّجُلُ وَ مَا تِلْكَ الْعِلَامَاتُ

قَالَ تِلْكَ خِلَالُ أَوَّلِهَا أَنَّهُمْ عَرَفُوا التَّوْحِيدَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ أَحْكَمُوا عِلْمَ تَوْحِيدِهِ وَ الْإِيمَانَ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا هُوَ وَ مَا صِفَتُهُ ثُمَّ عَلِمُوا خُدُودَ الْإِيمَانِ
وَ حَقَائِقَهُ وَ شُرُوطَهُ وَ تَأْوِيلَهُ

مردی بر امام صادق علیه السلام وارد شد،

آن حضرت از وی پرسید: از چه کسانی هستی؟

وی گفت: از دوست داران و پیروان شما،

امام علیه السلام به او فرمود: خداوند تا دوستی بنده‌ای را نپذیرد وی را دوست نخواهد داشت، و دوستیش را نپذیرد تا بهشت را
بر او واجب گرداند،

سپس فرمود: تو از کدام [دسته از] دوستان ما می‌باشی؟

آن مرد سکوت کرد،

اقسام دوستان

در این بین یک تن از اصحاب بنام سدید به امام عرض کرد: ای زاده پیامبر مگر دوستان شما چند دسته و گروهند؟!
فرمود: سه دسته و گروهند:

۱- گروهی از ایشان ما را آشکارا دوست دارند ولی در باطن میلی به ما ندارند،

۲- و گروهی در باطن ما را دوست دارند و در ظاهر به ما میلی ندارند،

۳- و گروهی در ظاهر و باطن به ما عشق می‌ورزند، (طبقه اول)

و اینان عالی‌ترین گروه مردمند، از آبی شیرین و گوارا نوشیده‌اند و تأویل قرآن را دانسته، و سخن جداکننده حق از باطل را
دریافته‌اند، و سبب سبب‌ها را می‌دانند، و اینانند عالی‌ترین گروه مردم، فقر و نیازمندی و انواع بلا سریع‌تر از تاختن اسب بر
سرشان روان است، بدیشان سختی و رنج و آسیب رسیده و چنان پریشان و گرفتار شده‌اند که دسته‌ای از ایشان زخمی و گروهی

کشته شدند، و در شهرهای دور افتاده پراکنده شدند، به برکت ایشان است که خداوند بیمار را شفا می‌بخشد، و فقیر را توانگر می‌کند، و به حرمت آنان است که شما یاری می‌شوید، و باران بر سرتان می‌بارد، و روزی داده می‌شوید، آنانند که هر چند تعدادشان کم و اندک است ولی در پیشگاه خداوند دارای قدر و منزلتی عظیم و بزرگ می‌باشند.

و گروه اول که پائین‌ترین گروه مردمند، آشکارا ما را دوست می‌دارند (و در نهان ما را دوست ندارند)، و رفتارشان به‌مانند پادشاهان است، اینان زبان‌شان با ما (یعنی: در حدّ شعار) و شمشیرهایشان بر علیه ما است، و گروه دوم که طبقه میانی مردمند، در باطن ما را دوست دارند و در ظاهر به ما میلی ندارند، و به‌جانم سوگند آنهایی که در نهان ما را دوست می‌دارند روزها را روزه می‌دارند و شب‌ها را به نماز می‌گذرانند، اثر شب‌زنده‌داری و ترک دنیا در چهره آنها هست، آنها اهل مسالمت و فرمان برداری هستند.

آن مرد گفت: در این صورت من از دوستان آشکار و نهان شمایم!

نشانه‌های دوستان

امام علیه‌السلام فرمود: براستی دوستان آشکار و نهان ما نیز نشانه‌هایی دارند که گویای شخصیت آنان است.

آن مرد گفت: آن نشانه‌ها کدامند؟

فرمود: خصلت‌هایی که نخستین آن‌ها این است که ایشان مسأله توحید (یکتاپرستی) را به‌طور صحیح شناخته و علمش را تکمیل کرده‌اند، و زان پس به ایمان به خدا و صفاتش پرداخته‌اند، سپس از حدود و حقائق و شروط و تأویل‌های ایمان باخبر شده و بدان پی برده‌اند.^۴

دوستی با گناه نفعی ندارد

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: خَدَمْتُ سَيِّدَ الْأَنْبَاءِ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً فَلَمَّا أَرَدْتُ الْخُرُوجَ وَدَّعْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ أَفْدِنِي فَقَالَ بَعْدَ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً يَا جَابِرُ قُلْتُ نَعَمْ إِنَّكُمْ بَحْرٌ لَا يُنْزَفُ وَلَا يُبْلَغُ قَعْرُهُ قَالَ يَا جَابِرُ بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ وَاعْلَمُهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ يَا جَابِرُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِيُّنَا وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حُبُّنَا.

جابر بن یزید جعفی گفت هجده سال بخدمتکاری امام و مولایم حضرت باقر اشتغال داشتم وقتی خواستم از خدمت آن جناب خارج شوم وداع کرده گفتم مرا بهره‌ای برسان.

مولایم فرمود: جابر پس از هجده سال (باز هم برای چیزی بگویم)

گفتم: آری شما دریای خشک ناشدنی و ژرف و بی‌پایان هستید.

فرمود: جابر سلام مرا به شیعیانم برسان به آن‌ها بگو بین ما و خدا خویشاوندی نیست و نمی‌توان مقرب درگاه او شد مگر به اطاعت. جابر هر که مطیع خدا باشد و دوستدار ما ولی ما است و هر که معصیت خدا را کند دوستی ما به او نفعی نمی‌بخشد.^۵

۴. تحف العقول عن آل الرسول ص ۳۲۵

بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶۵ ص ۲۷۵

۵. الأمالی (للطوسی) ص ۲۹۶

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمة) ج ۲ ص ۱۸۹

الفضائل (لابن شاذان القمي) ص ۸

بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۶۸ ص ۱۷۹